

پیش بینی بسیار زیبای شاعر و عارف نامدار شاه نعمت الله ولی در قالب قصیده



از باب مقدمه ذکر می‌کنیم که شاه نعمت الله ولی، از عرفای قرن هشتم و معاصر حافظ شیرازی بوده و ۹۵ سال عمر کرده است و مزار او در ماهان کرمان واقع است و شهید مطهری در جلد ۱۴ مجموعه آثار خود؛ صفحه ۵۷۷ او را اجمالاً توثیق کرده و او را از معاریف و مشاهیر عرفا خوانده‌اند که نسب به حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌برد. پیش بینی‌های او شامل وقایع دوران صفویه و بعد از آن می‌شود و اهمیت آن از این جهت است که صفویه، قرن‌ها پس از مرگ او به قدرت رسیده‌اند.

بخش‌هایی از شعر زیبای وی در زیر آمده است. در قسمت‌هایی که

نقطه چین دیده می‌شود، تعدادی از ابیات شعر به دلیل طولانی بودن و یا اشکال در منبع حذف شده است.

حالت روزگار می بینم
بلکه از کردگار می بینم
یک به یک را سوار می بینم
پرتوی آشکار می بینم
صفوی برقرار می بینم

قدرت کردگار می بینم
از نجوم این سخن نمی گویم
از سلاطین گردش دوران
هر یکی را به مثل ذره نور
از بزرگی و رفعت ایشان

.....

یک حسینی^۱ به کار می بینم

آخر پادشاهی صفوی

(۱) اشاره به آخرین پادشاه صفوی، شاه سلطان حسین که شاهی فاسد و ستمگر بوده است.

قامتش استوار می بینم

نادری در جهان شود پیدا

قتل او آشکار می بینم

آخر عهد نوجوانی او

شهر طهران^۲ قرار می بینم

شهر تبریز را چو کوفه کنند

(۲) اشاره به انتقال پایتخت به تهران.

شاه دیگر به کار می بینم

بعد از آن دیگری فنا گردد

که محمد^۳ به نام او باشد
(۳) بنابر ویژگی‌هایی که از او می‌گوید، مرادش احتمالاً محمد شاه قاجار است نه ،آقا محمدخان قاجار.

چهارده سال پادشاهی او
دولتش کامکار می بینم
سال کز مرغ می شود پیدا
مرگ او آشکار می بینم

ناصرالدین به نصرت دوران
چهارده هشت سال می بینم

از شهنشاه ناصرالدین شاه
شیونی بیم دار^۴ می بینم
(۴) اشاره به ترور ناصرالدین شاه.

روز جمعه ز شهر ذیقعه
تن او در مزار می بینم
بعد از آن شه مظفرالدین را
شاهیش ناگوار می بینم
چارشنبه ز شهر ذیقعه^۵
مرگ او آشکار می بینم

(۵) پیش بینی وی کاملاً دقیق بوده و مرگ هر دو ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در ذیقعه واقع شده
از الف تا به دال می گویم
شاه و شاهی فکار می بینم^۶

(۶) اشاره به نهضت مشروطیت ایران و تهدید پایه‌های سلطنت قاجاریه است. منظور در این بیت احمد
شاه می باشد الف تا به دال (احمد)

درخراسان و مصر و شام و عراق
فتنه و کارزار می بینم
جنگ و آشوب و فتنه ی بسیار
در یمین و یسار^۷ می بینم
(۷) آغاز جنگ جهانی اول، مصادف با ، آخرین روزهای عمر مشروطیت ایران.

غارت و قتل لشکر بسیار
در میان و کنار می بینم
شه چو بیرون رود ز جاگاهش^۸
شاه دیگر^۹ بکار می بینم

(۸) مراد، احمد شاه قاجار است. جالب آنکه به خروج او از کشور اشاره می کند و نه مرگ او.

(۹) مراد، رضا شاه است.

چون فریدون به تخت بنشیند
نوکرانش قطار می بینم
متصف بر صفات سلطان است
لیک من گرگ وار می بینم

دائم اسبش به زیر زین طلا
کمتر آن را سوار می بینم
عدل و انصاف در زمانه ی او
همچو هیمه به نار می بینم
علمای زمان او دائم
همه را تار و ماری بینم^{۱۰}

(۱۰) تقابل دولت با دین و روحانیت، هیچ گاه در تاریخ ایران، به اندازه‌ی دوران حکومت رضا شاه نبوده است. او کوشش کرد تا لباس روحانیت را از بین برده و به کلی سازمان روحانیت را فرو پاشد.

هست فصل حجاب در عهدش
فصل را بی اعتبار می بینم^{۱۱}

(۱۱) مهم ترین اقدام ضد دینی رضاشاه، کشف حجاب زنان بود.

جنگ سختی شود تمام جهان^{۱۲}
کوه و صحرا فکار می بینم

(۱۲) اشاره به آغاز جنگ جهانی دوم.

کار و بار زمانه وارونه
قحط و هم ننگ و عار^{۱۳} می بینم

(۱۳) اشاره به نابسامانی شدید اقتصادی در ایران و گسترش قحطی، همچنین اشغال کشور توسط متفقین و خیانت رجال سیاسی، در همکاری با بیگانگان.

چون دو ده سال^{۱۴} پادشاهی کرد
شهیش برکنار^{۱۵} می بینم

(۱۴) اشاره به پادشاهی رضا شاه که البته ۲۰ سال کامل نبوده است.

(۱۵) اشاره به برکناری و تبعید رضاشاه.

پسرش چون به تخت بنشیند
بوالعجب روزگار می بینم

نوجوانی به سان سرو بلند
رستمش بنده وار می بینم

در امور شهی است بی تدبیر
لیکنش بخت یار^{۱۶} می بینم

(۱۶) محمدرضا پهلوی معتقد بود که در کار پایداری سلطنتش، علی‌رغم حوادث سهمگین که می‌توانست طومار حکومت او را در هم بیچد، همواره بخت یار او بوده و مدعی بود که خداوند حامی اوست.

بس فرومایگان بی حاصل
حامل کار و بار می بینم

مذهب و دین ضعیف می یابم
مُبتدع^{۱۷} افتخار می بینم

(۱۷) اشاره به بدعت‌گزاری در دین در زمان محمدرضا شاه.

ظلم پنهان، خیانت و تزویر
بر اعظام شعار می بینم

ظلمت ظلم ظالمان دیار
بی حد و بی شمار می بینم

ماه را رو سیاه می یابم
دولت مرد و زن رود به فنا
مهر را دل فکار می بینم
غارت و قتل مردم ایران
حال مردم فکار می بینم
کهنه رندی به کار اهرمنی^{۱۸}
دست خارج به کار می بینم
اندر این روزگار می بینم

۱۸) بسیار عجیب است که او ابتدا دخالت خارجی را در غارت و قتل مردم ایران مورد اشاره قرار می دهد، سپس آن قدرت خارجی را شیطانی قلمداد می کند (شیطان بزرگ؛ آمریکا).

دور او هم تمام خواهد شد
شور و غوغای دین شود پیدا^{۱۹}
لشکری را سوار می بینم
سر به سر کارزار می بینم

۱۹) اشاره به وقوع انقلاب اسلامی ایران و مبارزات گسترده ی مردمی از یک سو و کشتار مردم به دست جلادان رژیم شاه، از سوی دیگر.

قصه ای بس غریب می شنوم
جنگ و آشوب و فتنه ی بسیار
غصه ای در دیار می بینم
نام او زشت و خوار^{۲۰} می بینم

۲۰) محمد رضا پهلوی، تنها شاهی است که مردم ایران، مستقیماً او را مورد خطاب قرار داده و مرگ بر او گفتند. بنابراین وی خوارترین شاه در سلسله پادشاهی ایران است.

کم ز چل^{۲۱} چون که پادشاهی کرد
سلطه اش تار و مار می بینم
۲۱) اشاره به ۳۷ سال حکومت محمدرضا پهلوی.

غم مخورزانکه من دراین تشویش
بعد از او شاهی از میان برود
خرمی وصل یار می بینم
عالمی چون نگار می بینم
نام او، برقرار^{۲۲} می بینم
سیدی را ز نسل آل رسول

۲۲) اولاً سیادت امام خمینی (ره) را تصریح می کند، ثانیاً نام او را نیز تعیین می نماید زیرا عدد واژه ی « برقرار» به حروف ابجد، ۷۱۰ و عدد واژه ی «خمینی» نیز ۷۱۰ می باشد.

نایب مهدی (عج)^{۲۳} آشکار شود
سروری را سوار می بینم

۲۳) نیابت عام حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، از پایان غیبت صغری، آغاز شده است اما هیچگاه نیابت عام فقها، آشکار و علنی و عملیاتی نبوده است تا اینکه با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نیابت عام فقها،

فعلیت یافت و حکومت ولایت فقیه؛ با تکیه بر نیابت عام حضرت حجت عجل الله فرجه، تأسیس گردید.

پیش‌وای تمام دانایی	رهبری با وقار می بینم
متصف بر صفات سلطانیست	لیک درویش وار می بینم
رهنما و امام هفت اقلیم	نام او را شعار می بینم
همچو مولا جلال الدین مولا	شمس تبریز وار می بینم
بندگان جناب حضرت او ^{۲۴}	سر بسر تاجدار می بینم

(۲۴) اشاره به مسئولینی است که تحت ظلّ ولی فقیه، یکی پس از دیگری خدمت می‌کنند.

گوهر شب چراغ بهر کمال	آن دُر شاهوار می بینم
هرکجا رو نهد به فضل الاله	دشمنش خاکسار می بینم ^{۲۵}

(۲۵) در روایات معصومین (ع) نیز این بشارت به چشم می‌خورد که حکومت جمهوری اسلامی، از شکست و ناکامی مصونیت دارد. تا قبل از آن، دور دور پیروزی فتنه‌ها بر اهل حق است اما در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سهمگین‌ترین فتنه‌ها، با امداد الهی، ناکام می‌ماند. امام خمینی نیز پیش بینی فرمودند که ملت ایران، پرچم را به امام عصر(عج) تسلیم خواهد نمود.

با کرامات و جامع آداب	آصف روزگار می بینم
تا چهل سال ای برادر من	دوره ی شهریار می بینم ^{۲۶}

(۲۶) در روایات آمده است که «... کذب الوقتون» تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغ می‌گویند. در بیت اخیر، ظاهراً وقت تعیین شده است اما توجه به این نکته ضروری است که اولاً شاعر، روز و ماه و سال تعیین نکرده، ثانیاً چه بسا او زمان وقوع را مدّ نظر ندارد و صرفاً به ترتیب حوادث اشاره می‌کند، ثالثاً امروز برای ما معلوم شده که نظام جمهوری اسلامی، کی تأسیس شده و کی چهل ساله می‌شود، اما برای او معلوم نبوده است، رابعاً عدد چهل، یکی از اعداد مقدس در اسلام شمرده شده و چه بسا مراد، خود عدد چهل نباشد بلکه شاعر از باب تقریب به آن توجه کرده و مراد او این است که پس دوره‌ای که از حکومت جمهوری اسلامی گذشت، امام زمان(عج) ظهور خواهند کرد.

بنابر این برای ما فقط این نکته مهم است که انشاءالله، جمهوری اسلامی، به حکومت آن حضرت متصل خواهد شد؛ حقیقتی که هم در روایات معصومین به آن اشاره شده و هم امام خمینی به آن

تصریح فرموده‌اند. نکته‌ی دیگر آن است که شاعر نمی‌گوید: «دور آن شهریار می‌بینم»، بلکه می‌گوید: «دوره‌ی شهریار می‌بینم»؛ زیرا در صورت اول، حکومت شخص خمینی کبیر باید ادامه می‌یافت و توسط او به صاحب اصلیش تسلیم می‌شد اما در مصراع اصلی تصریح می‌کند که طول حیات جمهوری اسلامی، دوره‌ی شهریار می‌بینم است و حکومت از اندیشه‌ها و آرمان‌های او منحرف نمی‌شود.

بعدازان خود امام خواهد بود	که جهان را مدار می‌بینم
صورت و سیرتش چو پیغمبر	علم و حلمش شعار می‌بینم
قائم شرع آل پیغمبر	به جهان آشکار می‌بینم
میم وحا، میم ودال می خوانند	نام آن نامدار می‌بینم
از کمر بند آن سپهر وقار	تیغ چون ذوالفقار می‌بینم
جنگ سختی شود تمام جهان ^{۲۷}	کوه و صحرا فکار می‌بینم
(۲۷) احتمالاً جنگ جهانی سوم.	
مردمان جهان ز انس و پری	همه را در فرار می‌بینم
مر مسیح از سما فرود آید	گوردجال زار ^{۲۸} می‌بینم

(۲۸) یکی از علائم قطعی ظهور، پیدایش دجال است. بسیاری از متفکران امروز، دجال را همان دستگاه عظیم تبلیغاتی، هنری و رسانه‌ای غرب جدید می‌دانند که مجهز به کارآمدترین سلاح‌ها؛ یعنی تکنولوژی فرا پیشرفته‌ی ارتباطات می‌باشد و همه‌ی وجهه‌ی همت خود را در تخدیر ذهن و اندیشه و تخریب فرهنگی ملل جهان قرار داده است.

رنگ یک چشم اوبه رنگ کبود^{۲۹} خری بر خر سوار می‌بینم^{۳۰}

(۲۹) در روایات است که دجال، یک چشم دارد و آن چشم که رنگی کبود دارد، همه‌ی صورت او را اشغال کرده است و همه‌ی نظرها را به خود جلب می‌کند و همه‌ی ملل جهان به او می‌نگرند. برخی، این ویژگی‌ها را با تلویزیون و مانیتور رایانه تطبیق داده‌اند.

(۳۰) خری بر خر سوار، اشاره به این است که مبنای تفکر و دعوت دجال، حماقت و جهل بوده و کار اصلی او این است که مردم را از حقایق هستی، غافل نماید و آنان را به جهل و تن پروری و زر اندوزی و فساد و شهوت و دنیا طلبی، سرگرم کند.

هر قدم از خرش بود میلی دورگردون غبارمی بینم^{۳۱}

(۳۱) ویژگی های مزبور که البته در روایات نیز با همین تعبیر اشاره شده است، نشان می دهد که دجال، انسان نیست زیرا هر قدم او یک میل راه است و وجود او، تمام دور گردون و منظومه ی شمسی را مثل غباری پر کرده است، بنابر این دجال، امواجی است که به سرعت منتشر می شود و از طریق ماهواره ها که دور گردون در حرکتند، به همه جای زمین ، منتشر می گردد.

آل سفیان^{۳۲} تمام کشته شوند با هزاران سوار می بینم

(۳۲) همه می دانیم که یکی از علائم قطعی ظهور، خروج سفیانی است. سفیانی بنابر آنچه در روایات آمده است، یک شخص نیست بلکه یک جریان اقتدارگرا؛ متشکل از سفیانی های متعدد است که سلطه را دنبال می کند. همه این را هم می دانیم که دشمن ترین دشمنان پیامبر(ص)، ابوسفیان و پس از او، دشمن ترین دشمنان آل پیغمبر(ع)، آل سفیان یا همان بنی امیه بوده اند.

پس جریان سفیانی، یک جریان تاریخی است که از ابوسفیان آغاز شده و با معاویه و یزید و بنی امیه و سپس همه سلطه گران فاسد که در مقابل حق و حقیقت ایستاده اند، ادامه یافته است و سرانجام به سفیانی عصر ظهور ختم می شود که به تمام قامت، در مقابل فرزند پیامبر خواهد ایستاد اما این بار با همه سپاهش، نابود خواهد شد. پس سفیانی عصر ظهور، همان جریان سلطه ی جهانی است که حق و عدالت را بر نمی تابد. نابودی سفیانی، در حقیقت، انتقام از همه ظلم های تاریخی و خون های به ناحق ریخته شده است؛ مخصوصاً انتقام از بزرگ ترین ظلم و خونریزی تاریخ، که در کربلای حسینی رقم خورد.

هر دو را شهسوار می بینم	مهدی وقت و عیسی دوران
خلق از او، بخت یار می بینم	دین و دنیا از او شود معمور
دولتش پایدار می بینم	مسکنش شهر کوفه خواهد بود
همه را کامکار می بینم	هفت باشد وزیر سلطانم
محکم و استوار می بینم	زینت شرع و رونق اسلام
خجل و شرمسار می بینم	عاصیان از امام معصومم

گرگ با میش، شیر با آهو
در چرا، برقرار می بینم^{۳۳}
(۳۳) کنایه از گسترش عدل و امنیت و رفاه بر جغرافیای زمین، تحت حکومت واحد جهانی حضرت

حجت روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء

نه درودی به خود همی گویم
بلکه از سرّ یار می گویم
نعمت الله نشستہ در کنجی
همه را در کنار می بینم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا
"حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُثْمِتَهُ فِيهَا طَوِيلًا"

خدایا، در این لحظه و در تمام لحظات،

سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات

- حضرت حجّه بن الحسن

که دروهای تو بر او و بر پدرانش باد -

باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست

[و همه از او فرمانبری می نمایند]

ساکن زمین گردانیده،

و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی

توجه: طی زمان و کش مکش های سیاسی، ممکن است اشعار این شاعر بزرگ تحریف شده باشند همانطور
که برای این قصیده در منابع مختلف ابیات متفاوتی مشاهده می شود، لذا تحقیق پیرامون آن لازم است.

گردآورنده: لطیف - بخش ادبیات و عرفان سایت محقق (مجمع حافظان قرآن کریم کاشمر) mahagh.ir

منبع: دیوان شاه نعمت الله ولی